



Predicting the Entrepreneurial Intention based on the Financial Intelligence Dimensions: A Study among Accounting Students

Nematollah Shiri¹ | Behrooz Badpa^{2✉}

1. Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. E-mail: N.shiri@ilam.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. E-mail: B.badpa@ilam.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

04. 06. 2024

Revised:

08. 06. 2024

Accepted:

12. 06. 2024

Keywords:

Financial Intelligence,
Entrepreneurial Intention,
Gender Analysis,
Higher Education.

Introduction: Exploring how students' entrepreneurial intention is formed has become a fundamental topic in management and educational planning research in the last few decades. An individual and personality characteristic that plays a significant role in strengthening entrepreneurial intention is financial intelligence, which has received very little attention in previous studies. High financial intelligence is necessary for entrepreneurship because entrepreneurs face financial challenges in creating new businesses and must make informed financial decisions. Therefore, the present research aims to investigate the role of financial intelligence dimensions in the development of entrepreneurial intention among Iranian accounting students. In addition, the moderating role of gender in the relationship between financial intelligence dimensions and entrepreneurial intention is investigated.

Methodology: The statistical population included all accounting students in Iran's higher education system, 252 of whom were sampled by simple randomization. Data were collected with a standard online questionnaire in the form of a five-point Likert scale. The construct validity (convergent and diagnostic validity) of the questionnaire was checked by a panel of entrepreneurship, financial management, and accounting experts. Also, Cronbach's alpha coefficient (α) and composite reliability were used to measure its reliability. Data was analyzed using the structural equation modeling approach with the SPSS and SmartPLS software packages.

Findings: The results at the 95% confidence level showed that the dimension of saving intelligence had a positive and significant effect on the entrepreneurial intention of accounting students, but the effects of the dimensions of spending and money-giving intelligence were not confirmed. In addition, the multigroup analysis (MGA) revealed that gender moderated the effect of the spending and money-giving dimensions on entrepreneurial intention among Iranian accounting students such that the impact of the spending dimension of financial intelligence on entrepreneurial intention was greater in female students than in males, and the effect of the money-giving dimension of financial intelligence on entrepreneurial intention was greater among boys than among girls. The MGA results did not validate the moderating role of gender in the relationship between the saving dimension of financial intelligence and entrepreneurial intention.

Conclusion/ Implications: The research results clarified the role of financial intelligence dimensions in strengthening the entrepreneurial intention of students, so researchers and governmental and educational policymakers can use the theoretical and practical findings of this study. In fact, the present research contributes to developing the entrepreneurship literature by revealing the effectiveness of the financial intelligence dimensions in entrepreneurial intention as well as the gender differences in the context of the relationship between the dimensions of financial intelligence and entrepreneurial intention. In addition, it is suggested that government and educational policymakers include the methods of saving and managing income and expenses, financial budgeting, and improving financial skills in the curricula of the educational courses and subjects. Furthermore, given the gender differences in the effects of financial intelligence on entrepreneurial intention among students, it is necessary to design and implement financial and entrepreneurship education taking into account different motivations, goals, and spirits of girls and boys.

Cite this article:

Shiri, N., & Badpa, B. (2024). Predicting the Entrepreneurial Intention based on the Financial Intelligence Dimensions: A Study among Accounting Students. *Journal of Entrepreneurship Research*, 3(2), 51-64.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2024.2031156.1128>



© The Author(s).

Publisher: Ilam University Press.

پیش‌بینی قصد کارآفرینانه بر مبنای ابعاد هوش مالی:

مطالعه‌ای در بین دانشجویان رشته حسابداری

نعمت‌اله شیری | بهروز بادپا^۲

۱. گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: N.shiri@ilam.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: B.badpa@ilam.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه: در چند دهه گذشته واکاوی چگونگی شکل‌گیری قصد کارآفرینانه دانشجویان به یکی از موضوعات اصلی در پژوهش‌های حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی تبدیل شده است. یکی از ویژگی‌های فردی و شخصیتی که نقش قابل توجهی در تقویت قصد کارآفرینانه دارد، هوش مالی است که در مطالعات پیشین خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است. هوش مالی بالا برای کارآفرینی الزامی است؛ زیرا کارآفرینان برای ایجاد کسب‌وکار جدید با چالش‌های مالی مواجه می‌شوند و باید تصمیم‌گیری‌های مالی آگاهانه داشته باشند. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ابعاد هوش مالی در توسعه قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری ایران است. افزون بر این، نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین ابعاد هوش مالی و قصد کارآفرینانه نیز بررسی شده است.

روش‌شناسی: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانشجویان رشته حسابداری در نظام آموزش عالی ایران بودند که تعداد ۲۵۲ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردید. به منظور گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استاندارد آنلاین در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت استفاده شد. برای سنجش روایی پرسشنامه از نظرات متخصصان کارآفرینی و مدیریت مالی و حسابداری و روایی سازه (روایی همگرا و تشخیصی) و برای سنجش پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ (α) و پایایی ترکیبی استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از رهیافت مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و SmartPLS نسخه سه انجام شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد بعد هوش پس‌انداز تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری داشت، اما تأثیر ابعاد هوش خرج‌کردن و پول‌دادن بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأیید نشد. نتایج تحلیل چندگروهی نیز نشان داد متغیر جنسیت تأثیر ابعاد هوش خرج‌کردن و پول‌دادن بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری ایران را تعدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که تأثیر هوش خرج‌کردن بر قصد کارآفرینانه در دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر و تأثیر هوش پول‌دادن بر قصد کارآفرینانه در دانشجویان پسران بیشتر از دختران بود. نتایج این تحلیل، نقش تعدیلگر جنسیت در رابطه بین هوش پس‌انداز کردن و قصد کارآفرینانه را تأیید نکرد.

نتیجه‌گیری / دستاوردها: نتایج پژوهش حاضر نقش ابعاد هوش مالی در تقویت قصد کارآفرینانه دانشجویان را شفاف کرد؛ به گونه‌ای که پژوهشگران و سیاست‌گذاران دولتی و آموزشی می‌توانند از دستاوردهای نظری و کاربردی این مطالعه استفاده کنند. در واقع، پژوهش حاضر با مشخص کردن چگونگی تأثیرگذاری ابعاد هوش مالی و همچنین، تفاوت‌های جنسیتی در رابطه بین ابعاد هوش مالی و قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری به توسعه ادبیات کارآفرینی در این زمینه کمک کرد. افزون بر این، به سیاست‌گذاران دولتی و آموزشی کشور پیشنهاد می‌شود که مباحث و شیوه‌های پس‌انداز کردن و مدیریت درآمدها و مخارج، بودجه‌بندی مالی و نحوه ارتقای مهارت‌های مالی در سرفصل‌های آموزشی گنجانده شود. همچنین، با توجه به وجود تفاوت‌های جنسیتی در زمینه تأثیر هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان، لازم است آموزش‌های مالی و کارآفرینی با در نظر گرفتن انگیزه‌ها، اهداف و روحیات متفاوت دختران و پسران طراحی و اجرا شود.

نوع مقاله:

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۱۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۲۳

کلیدواژه‌ها:

هوش مالی،
قصد کارآفرینانه،
تحلیل جنسیتی،
آموزش عالی.

شیری، نعمت‌اله. و بادپا، بهروز. (۱۴۰۳). پیش‌بینی قصد کارآفرینانه بر مبنای ابعاد هوش مالی: مطالعه‌ای در بین دانشجویان رشته حسابداری. *مجله پژوهش‌های کارآفرینی*، ۳ (۲)، ۶۴-۵۱.

استناد:

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2024.2031156.1128>

ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام

© نویسندگان.



مقدمه

نظر به افزایش تصاعدی نرخ بیکاری دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی، امروزه بحث اشتغال آنان جزء دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و دولت‌مردان است (Badcock, 2000; Shiri et al., 2016; Shiri et al., 2017). برخلاف گذشته که اشتغال‌زایی مستقیم دانش‌آموختگان، رویکرد اساسی دولت ایران برای حل مشکل بیکاری بوده، امروز سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند دانش‌آموختگان خود به دنبال ایجاد کسب و کار جدید باشند (Mirzasafi et al., 2011; Shiri et al., 2021). واقعیت آن است که پیشرفت‌های علمی و فناوری در دنیا منجر به ضرورت‌های جدیدی مانند فعالیت‌های دانش‌محور شده است و برای پاسخ به این نیازها باید از روش‌های جدید و مبتنی بر خلاقیت و نوآوری استفاده کرد. از این‌رو، شناسایی الزامات توسعه کارآفرینی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است (Abdi et al., 2018).

قصد کارآفرینانه جزء ویژگی‌های رفتاری افراد است که در بروز پدیده کارآفرینی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (Ajzen, 1991). قصد کارآفرینانه تلاشی است که فرد برای انجام دادن رفتار کارآفرینی در آینده انجام می‌دهد و بنابراین ارتقای قصد کارآفرینانه برای دانشجویان و دانش‌آموختگانی که متقاضی ورود به بازار کار هستند، راهکار مناسبی برای حل معضل بیکاری جوانان محسوب می‌شود (Ajzen & Fishbein, 1999). با توجه به نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی کشور و رفع مشکل بیکاری دانش‌آموختگان و نیز با توجه به این‌که قصد کارآفرینانه موجب بروز رفتار کارآفرینانه می‌شود، شناسایی و معرفی عوامل اثرگذار بر قصد کارآفرینانه دانشجویان ضرورت دارد. فریس (Forbes, 2005) و داس و تنگ (Das & Teng, 1997) معتقدند برخی از ویژگی‌های فردی نقش قابل توجهی در توسعه قصد و موفقیت کارآفرینانه دارند. از جمله این ویژگی‌ها و صفات شخصیتی هوش مالی است (Shi, 2012)، که در مطالعات پیشین کارآفرینی خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است. هوش مالی بالا برای کارآفرینی الزامی است، زیرا کارآفرینان برای ایجاد کسب و کار جدید با چالش‌های مالی مواجه می‌شوند و ضرورت دارد تصمیم‌گیری‌های مالی آگاهانه داشته باشند (Shi, 2012). کمیل و همکاران (Kamil et al., 2014) نیز معتقدند هوش مالی در جهت‌دهی به افراد در زمینه سرمایه‌گذاری و مصرف تأثیر دارد که این رابطه می‌تواند موجب رفاه مالی و یا فقر مالی افراد شود. علاوه بر این، معتقدند که اندازه‌گیری هوش مالی برای آزمون استعداد فردی نیست و به منظور سنجش مهارت‌های مالی اساسی و کاربرد مفاهیم مالی است (ذاتی نیست) که می‌تواند رفتار مالی و رفاه آنان را شکل دهد. فرضیه اساسی آنان این است که اگر کسی سطح هوش مالی پایینی داشته باشد، ثروت خود را صرف هزینه‌های غیر ضروری می‌کند و سرمایه‌گذاری ضروری را به موقع انجام نمی‌دهد.

نظر به این‌که که هوش مالی یک ویژگی ذاتی نیست و شامل مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌های به‌دست آمده از درک مفاهیم مالی و حسابداری در دنیای کسب و کار است، افراد با دریافت آموزش می‌توانند مهارت‌های مالی را یاد بگیرند و سطح هوش مالی خود را ارتقاء دهند؛ بنابراین، هوش مالی یکی از ویژگی‌های فردی است که بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری تأثیر با اهمیتی دارد و دانشجویانی که هوش مالی بالاتری دارند، به احتمال زیاد رغبت بیشتری به ایجاد کسب و کار جدید دارند؛ در نتیجه قصد کارآفرینانه آنان بیشتر است (Bineshian & Dehdar, 2018; Badpa & Shiri, 2022). بر همین اساس، ضرورت دارد اثر هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، با توجه به این‌که دانشجویان رشته حسابداری در طی دوره آموزش رسمی خود در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه، مهارت‌های مختلف حسابداری و مالی را کسب می‌کنند، در پژوهش حاضر اثر ابعاد هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر جنسیت مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر دارای نوآوری‌های مناسبی است؛ چرا که در پژوهش‌های پیشین اثر ابعاد هوش مالی بر قصد کارآفرینانه و همچنین نقش تعدیل‌گری متغیر جنسیت بر این رابطه بررسی نشده است. افزون بر این، نوآوری دیگر پژوهش حاضر مربوط به جامعه آماری پژوهش است؛ زیرا تاکنون مطالعه‌ای با این عنوان در بین دانشجویان رشته حسابداری کشور انجام نشده است. بر این اساس، انجام پژوهش حاضر می‌تواند ضمن غنی کردن ادبیات

قصد کارآفرینانه با ارائه توصیه‌هایی کاربردی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه کارآفرینی در کشور در جهت تدوین راهکارهای برای کاهش نرخ بیکاری در بین جوانان کمک کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کارآفرینی فرآیندی است که به پیش‌بینی و برنامه‌ریزی نیاز دارد و رفتار کارآفرینانه بر اساس قصد افراد برای کارآفرینی شکل می‌گیرد (Krueger et al, 2000). منظور از قصد کارآفرینانه، تصمیم‌گیری درباره ایجاد کسب و کار جدید به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده است (Davidsson, 1995). بنابراین، قصد کارآفرینانه باعث بروز رفتار کارآفرینانه می‌شود و آگاهانه به توجه، تجربه و رفتار افراد کارآفرین جهت می‌دهد (Bird, 1988). علاوه بر این، قصد کارآفرینانه در هنگام هوشیاری ذهنی شکل می‌گیرد، به طوری که توجه و رفتار فرد را به سمت رفتار کارآفرینانه از قبل برنامه‌ریزی شده، جلب می‌کند و او را برای شروع یک کسب و کار جدید هدایت می‌کند (Krueger et al, 2000). شناخت ویژگی‌هایی که بر قصد کارآفرینانه افراد و بروز رفتار کارآفرینانه آنان تأثیر دارد، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. یکی از ویژگی‌های فردی مهم و ضروری برای کارآفرینان هوش مالی است. دانش آموختگانی که قصد ایجاد کسب و کار جدید را دارند، علاوه بر دانش و مهارت کافی باید از سطح هوش مالی مطلوب بهره‌مند باشند (Shi, 2012). دارایی و مشایخی (Darabi & Mashayekhi, 2016) معتقدند هوشیاری مالی بخشی از هوشیاری ذهنی انسان است که در هنگام مواجهه با مسائل مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای اندازه‌گیری آن از هوش مالی استفاده می‌شود. جراردی و همکاران (Gerardi et al., 2010) نیز معتقدند کارآفرینان باید توانایی‌های لازم را برای حل مشکلات مالی داشته باشند، زیرا کارآفرینی توأم با ریسک‌های مالی بوده و حل مسائل مالی نیاز به تصمیم‌گیری آنان دارد.

برمن و همکاران (Berman et al., 2008) هوش مالی را در چارچوب سه مهارت کلی شامل مهارت، درک مفاهیم بنیادی کسب و کار (آشنایی با صورت‌های مالی)، مهارت درک فن حسابداری و مالی و مهارت درک تجزیه و تحلیل‌های مالی طبقه‌بندی کردند. بینشیان و دهدار (Bineshian & Dehdar, 2018) چهار مهارت را برای هوش مالی شامل درک مفاهیم مالی، درک فنون حسابداری و مالی، درک تجزیه و تحلیل‌های مالی و درک عمیق مسائل مالی و شناسایی عوامل اثرگذار بر محیط کسب و کار ارائه کردند. براساس دیدگاه ایگبوکوی و همکاران (Igbokwe et al., 2014) هوش مالی دارای سه بُعد خرج کردن، پس‌انداز کردن و پول‌دادن است. هوش خرج کردن شامل ملاحظات مختلفی است، اطلاع از این که منابع مالی در دسترس دارای محدودیت هستند و قبل از پرداخت مخارج باید هزینه فرصت آن بررسی شود، در چارچوب این مهارت اهمیت زیادی دارد. علاوه بر این، نحوه خرج کردن باید آگاهانه باشد و میزان مخارج یا سرمایه‌گذاری انجام شده و منابع باقیمانده همواره باید توسط سرمایه‌گذار بررسی شود. بُعد دیگر هوش مالی، پس‌انداز کردن است. برای پس‌انداز کردن و مدیریت درآمدها و مخارج، ضرورت دارد افراد تفاوت بین سود و موجودی نقد را درک کنند؛ هر درآمدی لزوماً به معنای در اختیار داشتن پول نیست و زبان نیز لزوماً به معنای از دست رفتن پول نقد نیست. برای مدیریت درآمدها و مخارج، لازم است افراد درآمدها و مخارج آینده خود را بودجه بندی کنند، یعنی پیش‌بینی‌هایی در مورد مبلغ و زمان‌بندی درآمدها و مخارج خود داشته باشند. برای پس‌انداز کردن لازم است افراد هزینه‌ها را کنترل کنند و برای دستیابی به درآمد پیش‌بینی شده برنامه‌ریزی و تلاش کنند، کنترل بیشتر هزینه‌های غیر ضروری و افزایش درآمدها در مقایسه با مبالغ پیش‌بینی شده بر میزان پس‌انداز افراد می‌افزاید. بعد سوم هوش مالی مهارت پول‌دادن است، به دلیل محدودیت منابع در دسترس، ضرورت دارد میزان منابع مالی را که می‌توان در اختیار دیگران قرار داد پیش‌بینی نمود و اگر ضرورت پیدا کرد منابع بیشتری در اختیار دیگران قرار بگیرد، صرفه‌جویی لازم در مخارج غیرضروری انجام شود. یکی از نکات مهم در زمان پول‌دادن به دیگران، زمان‌بندی انجام آن است. به بیان دیگر، افراد باید علاوه بر درک ضرورت پول‌دادن به دیگران، این واقعیت را بپذیرند که دانستن این که چه موقع به دیگران پول بدهند یا ندهند، اهمیت ویژه‌ای دارد. نظر به این که براساس مطالعه ایگبوکوی و همکاران (Igbokwe et al., 2014) ابعاد مذکور که برای اندازه‌گیری هوش مالی در بین

دانشجویان طراحی شده‌اند از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بودند. لذا در پژوهش حاضر از این مقیاس برای اندازه‌گیری ابعاد هوش مالی در بین دانشجویان حسابداری استفاده شده است.

سوراتنو و همکاران (Suratno et al., 2021) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که سواد مالی و اقتصادی دانشجویان (مفاهیم کاربردی هوش مالی) بر قصد کارآفرینانه تأثیر مثبت دارد. کمیل و همکاران (Kamil et al., 2014) نشان دادند که هوش مالی بر قصد و رفتار افراد برای مصرف و سرمایه‌گذاری تأثیر دارد و در نتیجه، رفاه مالی افراد تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هوش مالی قرار دارد. آلمنبرگ و ویدمارک (Almenberg & Widmark, 2011) نیز به این نتیجه رسیدند که هوش مالی با میزان ریسک‌پذیری افراد ارتباط مثبت و معناداری دارد. رونالد و گرابل (Ronald & Grable, 2010) به این نتیجه رسیدند که هرچه هوش مالی، ثروت و مهارت‌های مالی بیشتر باشد، افراد تمایل دارند ریسک بیشتری را تحمل کنند. بر همین اساس، هوش مالی یکی از عواملی است که بر میزان تصمیم‌گیری‌های ریسکی از جمله ایجاد کسب و کار جدید تأثیر گذار است. لوساردی (Lusardi, 2009) در پژوهشی نشان دادند که هوش مالی بر تصمیمات مالی افراد برای تأسیس یک شرکت تأثیرگذار است. نتایج پژوهش بینشیان و دهدار (Bineshian & Dehdar, 2018) نیز نشان داد هوش مالی و گرایش‌های رفتاری بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر بااهمیتی دارند. دارابی و مشایخی (Darabi & Mashayekhi, 2016) به این نتیجه رسیدند که هوش مالی توانایی آن را دارد که ریسک پرداخت تعهدات و سودآوری را به درستی پیش‌بینی کند. آقاسی و همکاران (Aghasi et al., 2016) به این نتیجه رسیدند که هوش مالی بر عملکرد سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است. پورزمانی و کریمی (Pourzamani & Karimi, 2010) به این نتیجه رسیدند که افراد هوش مالی متفاوتی دارند و هوش مالی بر میزان ریسک‌پذیری افراد در زمان سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری دارد. با وجود این‌که تاکنون مطالعه‌ای در خصوص تأثیر ابعاد هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان انجام نشده است؛ ولی با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش می‌توان فرضیه‌های زیر را تدوین و آزمون کرد:

فرضیه اول: هوش خرچ کردن تأثیر معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دارد.

فرضیه دوم: هوش پس‌انداز کردن تأثیر معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دارد.

فرضیه سوم: هوش پول‌دادن تأثیر معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دارد.

تحلیل جنسیتی

در مطالعات کارآفرینی جنسیت می‌تواند هم به عنوان متغیر تعدیل‌کننده و هم به عنوان متغیر میانجی مورد استفاده قرار گیرد (Sullivan & Meek, 2012). تفاوت‌های جنسیتی بر عملکرد کارآفرینان تأثیر دارد؛ این تفاوت در عملکرد می‌تواند ناشی از مهارت‌های مالی آنان مانند پس‌انداز کردن، قرض گرفتن، معامله کردن، مدیریت ریسک و مانند آن باشد (Allen et al. 2016; Cull et al. 2007). علاوه بر این، تفاوت در مهارت‌های مالی بین مردان و زنان موجب تفاوت در نحوه مدیریت شوک‌های درآمدی می‌شود (Rojas-Suarez, 2010). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که کارآفرینان زن در بهره‌گیری از مهارت‌ها و خدمات مالی نسبت به کارآفرینان مرد، ابتکار عمل کمتری دارند (Kairiza et al. 2017). کایریزا و همکاران (Kairiza et al., 2017) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین زن بودن و ورود کارآفرینان به بازارهای مالی رسمی رابطه آماری منفی و ضعیف وجود دارد؛ با این وجود، تفاوت معناداری بین زنان و مردان کارآفرین برای ورود به بازارهای مالی غیررسمی وجود ندارد. همچنین، به دلیل این‌که الزامات مؤسسات مالی رسمی، پیچیده و مشکل است، کارآفرینان زن نمی‌توانند این الزامات را برآورده کنند و بر همین اساس، آنان معمولاً سابقه تعامل با این‌گونه مؤسسات را ندارند و از هوش مالی و سواد مالی ضعیف‌تری برخوردار هستند (Coleman, 2000; Carter & Shaw, 2006; Buvinic & Berger, 1990; Kairiza et al. 2017). کلمن (Coleman, 2000) در پژوهشی به این نتیجه رسید که مؤسسات خدماتی که مدیریت آنان به عهده زنان است نرخ بهره بالاتری را نسبت به مؤسسات

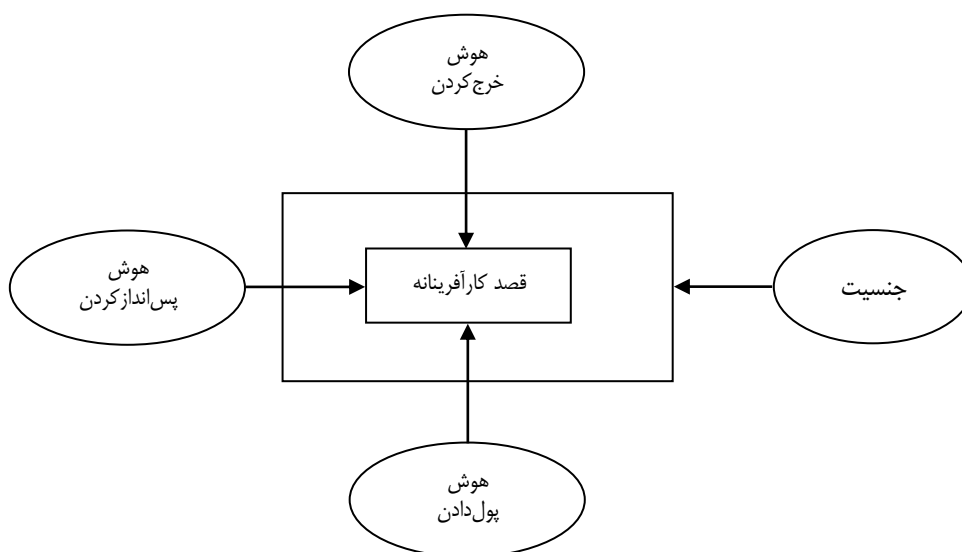
خدماتی تحت مدیریت مردان پرداخت کرده‌اند. با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان انتظار داشت که تفاوت‌های جنسیتی رابطه بین ابعاد هوش مالی و قصد کارآفرینانه را تعدیل کنند. بر این اساس، فرضیه‌های زیر مفهوم‌سازی می‌شوند:

فرضیه چهارم: جنسیت تأثیر هوش خرج کردن بر قصد کارآفرینانه را تعدیل می‌کند.

فرضیه پنجم: جنسیت تأثیر هوش پس‌انداز کردن بر قصد کارآفرینانه را تعدیل می‌کند.

فرضیه ششم: جنسیت تأثیر هوش پول دادن بر قصد کارآفرینانه را تعدیل می‌کند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مدل مفهومی پژوهش در خصوص تأثیر ابعاد هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری ایران و همچنین با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر جنسیت تدوین گردید (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت (پارادایم)، در دسته پژوهش‌های کمی؛ با توجه به هدف، کاربردی؛ و در گردآوری و تحلیل داده‌های، توصیفی-همبستگی است که با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانشجویان مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته حسابداری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران بودند. نظر به گستردگی جامعه آماری و شرایط وخیم بحران کرونا (کووید ۱۹) در کشور، امکان تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت حضوری نبود. از این‌رو، پرسشنامه پژوهش به شیوه الکترونیکی (آنلاین) در محیط سامانه اول‌فرم طراحی شد و لینک پرسشنامه از طریق کانال‌ها و گروه‌های مجازی در شبکه‌های اجتماعی علمی (نظیر تلگرام، واتس‌آپ، اینستاگرام و ...) و همچنین از طریق اساتید حسابداری شاغل در دانشگاه‌های کشور به‌ویژه دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای دانشجویان حسابداری ارسال گردید؛ بنابراین، روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده بود. لازم به ذکر است که هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ابعاد هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری بوده است و سطح تحصیلات آنان، نوع دانشگاه محل تحصیل، موقعیت جغرافیایی محل تحصیل و یا امکانات در دسترس مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ بنابراین، با توجه به حجم بسیار بزرگ جامعه و همگنی افراد جامعه آماری با داشتن تحصیلات دانشگاهی در رشته حسابداری، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. سپس، با ارسال مستمر لینک آنلاین پرسشنامه و پیگیری‌های زیاد تعداد ۲۵۷ پرسشنامه تکمیل شد. در بررسی و پالایش اولیه، تعداد ۵ پرسشنامه که دارای اطلاعات ناقص بودند، حذف شدند. در نهایت،

داده‌های ۲۵۲ پرسشنامه برای انجام تحلیل‌ها در این مطالعه استفاده شد. با توجه به این که بر اساس جدول نمونه‌گیری بارتلت و همکاران (Bartlett et al. 2001) در مطالعات میدانی جوامع نامحدود لازم است حداقل ۲۰۹ عدد پرسشنامه تکمیل و مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین، تعداد ۲۵۲ پرسشنامه در پژوهش حاضر کفایت لازم را دارد و می‌توان نتایج آن را به کل جامعه آماری پژوهش تعمیم داد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه‌ای استاندارد مشتمل بر سه بخش بود. قسمت اول پرسشنامه شامل سؤالاتی برای سنجش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان بود. در بخش بعدی پرسشنامه برای سنجش قصد کارآفرینانه از مقیاس لینان و چن (Linan & Chen, 2009) در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد و ۵- خیلی زیاد) استفاده شد. در نهایت، از پرسشنامه هوش مالی ایگبوکوه و همکاران (Igbokwe et al., 2014) برای سنجش ابعاد هوش مالی (هوش خرج‌کردن، هوش پس‌انداز کردن و هوش پول‌دادن) بهره برده شد. در این پرسشنامه، تعداد ۲۵ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱- اصلاً، ۲- به ندرت، ۳- گاهی اوقات، ۴- بیشتر اوقات، ۵- همیشه) برای سنجش ابعاد هوش مالی (۱۱ گویه برای هوش خرج‌کردن، نه گویه برای هوش پس‌انداز کردن و پنج گویه برای هوش پول‌دادن) استفاده شد. برای سنجش روایی پرسشنامه از نظرات چهار تن از مخصان کارآفرینی و مدیریت مالی و حسابداری و روایی سازه (روایی همگرا و تشخیصی) و برای سنجش پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ (α) و پایایی ترکیبی استفاده شد (جدول ۲). با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۲؛ می‌توان گفت پرسشنامه پژوهش از روایی و پایایی مناسبی برای انجام این مطالعه برخوردار است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و SmartPLS نسخه سه انجام شد. برای این منظور، از آماره‌های توصیفی و استنباطی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از آماره‌هایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، و در بخش آمار استنباطی از تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری (ارزیابی مدل اندازه‌گیری و ارزیابی مدل ساختاری) و رهیافت تخمین حداقل مربعات جزئی بهره گرفته شد. در بخش ارزیابی مدل اندازه‌گیری، روایی، پایایی و برازش مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش و در بخش ارزیابی مدل ساختاری، فرضیه‌ها در قالب مدل پیشنهادی پژوهش آزمون شدند. افزون بر این، در این مطالعه از تکنیک تحلیل چندگروهی برای بررسی نقش تعدیل‌گر جنسیت استفاده شد.

یافته‌ها

براساس نتایج پژوهش ۵۹/۳ درصد از پاسخگویان دختر و ۴۰/۷ درصد از آن‌ها پسر بودند. میانگین سن پاسخگویان ۲۶/۱۸ با انحراف معیار ۶/۸۲ سال بود و آن‌ها در دامنه سنی ۱۹ تا ۵۰ سال قرار داشتند. میانگین قصد کارآفرینانه پاسخگویان برابر با ۳/۱۲ با انحراف معیار ۰/۹۳ بود؛ بنابراین، می‌توان اظهار نمود که دانشجویان مورد مطالعه از قصد کارآفرینانه متوسطی برخوردار بودند. براساس یافته‌ها، میانگین نمره هوش خرج‌کردن برابر با ۳/۶۲ با انحراف معیار ۰/۸۷؛ میانگین نمره هوش پس‌انداز کردن ۳/۶۸ با انحراف معیار ۰/۸۹؛ و میانگین نمره هوش پول‌دادن برابر با ۴/۰۰ با انحراف معیار ۰/۶۶ بود. از این رو، می‌توان گفت پاسخگویان در زمینه ابعاد هوش مالی از وضعیت متوسط به بالایی برخوردارند. به‌منظور بررسی برازش، روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌های نیکویی برازش (جدول ۱)، خلاصه نتایج (جدول ۲)، ضرایب همبستگی و جذر میانگین واریانس استخراج شده (جدول ۳) در ادامه ارائه شده‌اند.

جدول ۱. شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری پژوهش

RMS_Theta	NFI	SRMR	شاخص برازش
≤0.12	>0.80	<0.10	مقدار پیشنهاد شده
۰/۱۱	۰/۹۴	۰/۰۷۷	مقدار برآورد شده

نتایج ارائه شده در جدول (۱)، نشان می‌دهد که شاخص‌های ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌های استاندارد شده^۱ (SRMR)، شاخص برازش هنجار^۲ (NFI) و ریشه میانگین مجذور ماتریس کوواریانس باقیمانده‌ها^۳ (RMS_Theta) از مقدار مناسبی برخوردار بودند؛ بنابراین، برازش مدل اندازه‌گیری نهفته پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۲. خلاصه نتایج ارزیابی مدل اندازه‌گیری پژوهش

متغیرهای نهفته	میانگین (انحراف معیار)	CR	AVE	α
قصد کارآفرینانه	۳/۱۲ (۰/۹۳)	۰/۹۲	۰/۷۱	۰/۹۰
هوش خرج کردن	۳/۶۲ (۰/۸۷)	۰/۸۷	۰/۶۳	۰/۸۳
هوش پس‌انداز کردن	۳/۶۸ (۰/۸۹)	۰/۸۹	۰/۶۸	۰/۸۵
هوش پول‌دادن	۴/۰۱ (۰/۶۶)	۰/۸۲	۰/۵۳	۰/۷۲

بر اساس منابع موجود اگر مقدار CR برابر یا بیشتر از ۰/۷ و AVE برابر یا بیشتر از ۰/۵۰ باشد، به ترتیب نشان‌دهنده پایایی و روایی همگرایی مطلوب است (Hair et al., 2017). با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۲؛ مشاهده می‌شود که مقدار پایایی ترکیبی (CR) و روایی همگرا (AVE) به ترتیب برای مدل اندازه‌گیری تمام متغیرهای نهفته پژوهش بزرگتر از ۰/۸۷ و ۰/۵۳ است؛ بنابراین، مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش از پایایی و روایی همگرایی مناسبی برخوردار هستند.

جدول ۳. جذر میانگین واریانس استخراج شده و ضرایب همبستگی

متغیرهای نهفته	۱	۲	۳	۴	VIF
۱- قصد کارآفرینانه	۰/۸۴				-
۲- هوش خرج کردن	۰/۲۲	۰/۸۰			۱/۹۶
۳- هوش پس‌انداز کردن	۰/۲۵	۰/۶۴	۰/۸۳		۱/۹۷
۴- هوش پول‌دادن	۰/۱۶	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۷۳	۱/۸۰

توجه: اعداد عناصر قطری جدول، جذر میانگین واریانس استخراج شده و عناصر پایین قطر جدول، ضرایب همبستگی بین سازه‌ها می‌باشند.

اگر جذر مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای هر سازه بزرگتر از همبستگی برآورد شده بین آن سازه با سایر سازه‌های موجود در مدل پژوهش باشد، روایی تشخیصی آن متغیر تأیید می‌شود (Fornell and Larcker, 1981). براساس نتایج ارائه شده در جدول ۳؛ مشاهده می‌شود که جذر میانگین واریانس استخراج شده برای هر یک از سازه‌های مدل پژوهش ($0.73 < AVE < 0.84$) بزرگتر از همبستگی ($0.16 < r < 0.64$) بین سازه‌های مدل پژوهش بود. این نتیجه نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری تمام متغیرهای نهفته پژوهش از روایی تشخیصی مناسبی برخوردار هستند.

برای بررسی بایاس روش مشترک (CMB)^۴ از آزمون هم‌خطی استفاده شد. بر اساس این روش، اگر عامل‌های تورم واریانس (VIFs)^۵ بزرگتر از ۳/۳ باشند، به عنوان نشانه‌ای از هم‌خطی و همچنین به عنوان نشانه‌ای از بایاس روش مشترک در یک مدل هستند. بنابراین، اگر تمام VIF های حاصل از آزمون هم‌خطی برابر یا کمتر از ۳/۳ باشند، می‌توان مدل را به عنوان

¹ Standardized Root Mean Square Residual (SRMR)

² Normed Fit Index (NFI)

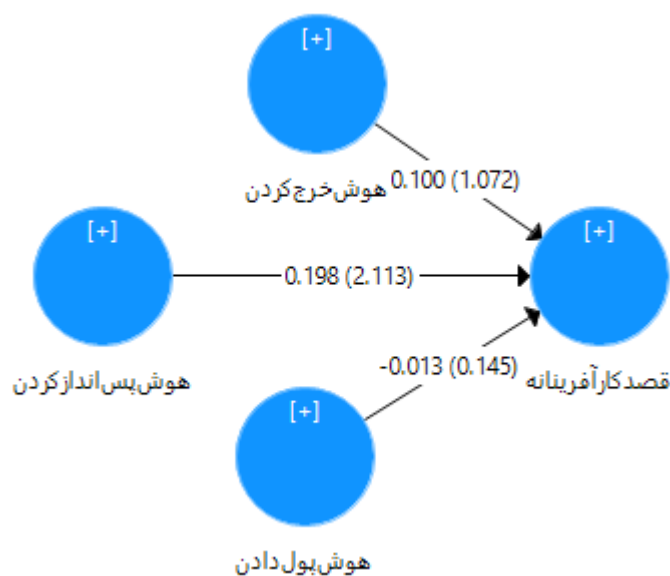
³ Root Mean Squared Residual Covariance Matrix (RMS_Theta)

⁴ Common Method Bias (CMB)

⁵ Variance Inflation Factors (VIFs)

آزاد از بایاس روش مشترک در نظر گرفت (Koch, 2015). نتایج ارائه شده در جدول ۳؛ نشان می‌دهد که VIFها برای هر کدام از متغیرهای نهفته کمتر از ۳/۳ است. از این‌رو، می‌توان بایاس روش مشترک را منتفی دانست و نتایج پژوهش تحت تأثیر این سوگیری قرار نمی‌گیرد.

پس از تأیید مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، به‌منظور آزمون فرضیه‌ها در قالب مدل پیشنهادی پژوهش از روش تحلیل مسیر (ارزیابی مدل ساختاری) استفاده شد. مدل مسیر پژوهش با نمایش ضریب مسیر استاندارد و معناداری (شکل ۲) و خلاصه نتایج ارزیابی مدل ساختاری (جدول ۴) ارائه شده‌اند.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد و معناداری (t-Value)

جدول ۴. خلاصه نتایج ارزیابی مدل ساختاری پژوهش

R ²	نتیجه فرضیه	ضریب مسیر		متغیر نهفته	
		t	β	درون‌زا	برون‌زا
۰/۰۷	رد فرضیه	۱/۰۷	۰/۱۰	هوش پول دادن	هوش کارآفرینانه
	تأیید فرضیه	۲/۱۱*	۱۹/۸	هوش پس‌انداز کردن	هوش کارآفرینانه
	رد فرضیه	۰/۱۴	-۰/۰۱	هوش پول دادن	هوش پس‌انداز کردن

* معناداری در سطح خطای پنج درصد

نتایج ارائه شده در جدول ۴؛ نشان می‌دهد که ضریب مسیر مستقیم تأثیر متغیر نهفته هوش خرج کردن بر قصد کارآفرینانه از لحاظ آماری معنادار نیست ($\text{Beta} = 0.10, t = 1.07$)؛ بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. براساس نتایج، متغیر نهفته هوش پس‌انداز کردن تأثیر مثبت و معناداری در سطح خطای پنج درصد بر قصد کارآفرینانه دارد ($\text{Beta} = 0.19, t = 2.11$)؛ بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. در نهایت، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که تأثیر متغیر نهفته هوش پول دادن بر قصد کارآفرینانه دانشجویان از لحاظ آماری معنادار نیست ($\text{Beta} = -0.01, t = 0.14$)؛ بنابراین، فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. برای بررسی نقش تعدیل‌گر جنسیت (دختر- پسر) در رابطه بین ابعاد هوش مالی و قصد کارآفرینانه دانشجویان از تکنیک تحلیل چند گروهی استفاده شد (جدول ۵).

جدول ۵. نقش تعدیلگر جنسیت در رابطه بین ابعاد هوش مالی و قصد کارآفرینانه

سطح معناداری	مقادیر تی	اختلاف ضریب مسیر	ضریب مسیر (تی)		مسیر ساختاری
			پسر	دختر	
۰/۰۱۱	۲/۶۳**	۰/۴۷	۰/۱۶ - ۰/۹۹	۰/۳۱ (۲/۹۵**)	خرج کردن - قصد کارآفرینانه
۰/۷۹۰	۰/۲۶	۰/۰۵	۰/۳۱ (۲/۴۴*)	۰/۲۶ (۲/۱۷*)	پس‌انداز کردن - قصد کارآفرینانه
۰/۰۲۹	۲/۱۹*	۰/۴۵	۰/۲۰ (۱/۵۰)	-۰/۲۵ (۱/۸۱)	پول دادن - قصد کارآفرینانه

** معناداری در سطح خطای یک درصد و * معناداری در سطح خطای پنج درصد

نتایج ارائه شده در جدول (۵)، نشان می‌دهد که در گروه دختران، ابعاد هوش خرج کردن و پس‌انداز کردن تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دارند؛ ولی تأثیر معنادار هوش پول دادن بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأیید نشد. این در حالی است که در گروه پسران، فقط بعد هوش پس‌انداز کردن تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دارد و تأثیر معنادار ابعاد هوش خرج کردن و پول دادن بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأیید نشد.

به‌طور کلی، نتایج تحلیل چندگروهی (جدول ۵)، نشان می‌دهد که متغیر جنسیت تأثیر ابعاد هوش خرج کردن و پول دادن بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری ایران را تعدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که تأثیر هوش خرج کردن بر قصد کارآفرینانه در دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر و تأثیر هوش پول دادن بر قصد کارآفرینانه در پسران بیشتر از دختران است. نتایج این تحلیل، نقش تعدیلگر جنسیت در رابطه بین هوش پس‌انداز کردن و قصد کارآفرینانه را تأیید نکرد. بنابراین، فرضیه‌های چهارم و ششم پژوهش تأیید و فرضیه پنجم پژوهش رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بعد هوش پس‌انداز کردن تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان رشته حسابداری دارد. نظر به این که کارآفرینی و ایجاد کسب و کار در تمام سطوح (کوچک، متوسط و بزرگ) به سرمایه نیاز دارد و در واقع، دسترسی افراد و شرکت‌ها به سرمایه سبب استفاده از فرصت‌های رشد در شرایط خوب اقتصادی و حفظ بقا و پایداری شرکت در شرایط بد اقتصادی می‌شود (Botshekan & Seifoddini, 2010). بنابراین، چنانچه دانشجویان از هوش مالی در زمینه پس‌انداز کردن و سرمایه‌گذاری برای آینده برخوردار باشند، آن‌ها در جهت تأمین منابع مالی که یکی از مهم‌ترین موانع و مشکلات رشد و توسعه کسب و کارها است، اقدام می‌کنند. لذا پر واضح است که برخورداری از هوش مالی سبب افزایش قصد کارآفرینانه دانشجویان در زمینه کارآفرینی و ایجاد کسب و کار گردد. این یافته با نتایج مطالعات پیشین (Shi, 2012; Suratno et al., 2021; Ronald & Grable, 2010; Kamil et al., 2014) هم‌خوانی دارد. بر خلاف این یافته، نتایج پژوهش نیز بیانگر این بود که ابعاد هوش مالی در خصوص خرج کردن و قرض‌دهی (پول دادن) تأثیر معناداری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان ندارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین (Suratno et al., 2021; Kamil et al., 2014) در خصوص تأثیر هوش مالی بر کارآفرینی همراستا نیست. دلیل این اختلاف ممکن است ناشی از این باشد که اولاً در مطالعات پیشین به‌صورت کلی تأثیر هوش مالی را بر کارآفرینی بررسی کردند و دوماً در این مطالعات از ابزارها و مقیاس‌های متفاوتی بر سنجش هوش مالی بهره بردند. افزون بر این، دلیل دیگر اختلاف نتایج می‌تواند ناشی از جوامع آماری متفاوت در این پژوهش و پژوهش‌های پیشین باشد. در توجیه این یافته شاید بتوان گفت که هرچند هوش مالی در زمینه پول دادن به دیگران و یا هزینه و خرج کردن در زندگی مهم و ارزشمند باشد؛ ولی چون فرآیند راه‌اندازی کسب و کار و کارآفرینی سرمایه‌بر است؛ بنابراین، دانشجویانی که قصد راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه در آینده دارند، بیشتر به دنبال پس‌انداز هستند تا خرج کردن یا دادن پول به دیگران که ممکن است در زمینه فعالیت‌های کارآفرینانه موردنیازشان باشد.

نظر به اهمیت متغیر جنسیت، در این پژوهش نقش تعدیل‌گر متغیر جنسیت در رابطه بین ابعاد هوش مالی و قصد کارآفرینانه دانشجویان حسابداری ایران بررسی شد. مطابق با نظر پژوهشگران پیشین (Allen et al., 2016; Cull et al., 2007) نتایج پژوهش حاضر نیز حاکی از وجود تفاوت‌های جنسیتی در زمینه تأثیر ابعاد هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان بود. به‌گونه‌ای که در دانشجویان دختر ابعاد خرج کردن و پس‌انداز کردن تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه داشت؛ این در حالی است که در دانشجویان پسر فقط بعد پس‌انداز کردن بر قصد کارآفرینانه آن‌ها تأثیرگذار بود. در واقع، این یافته تأییدی بر نتایج مطالعات پیشین (Shiri et al., 2017) در خصوص این است که در دانشجویان پسر کنترل رفتاری درک شده و در دانشجویان دختر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تأثیر بالاتری بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دارند؛ چرا که در دانشجویان دختر افزون بر هوش پس‌انداز کردن، هوش خرج کردن که یک ارزش اجتماعی برای زنان و دختران به حساب می‌آید نقش مهمی در توسعه قصد کارآفرینانه آن‌ها دارند؛ ولی در دانشجویان پسر صرفاً هوش پس‌انداز کردن و سرمایه‌گذاری آنان که باعث ارتقای سطح خودکارآمدی و کنترل رفتاری آنان می‌شود بر قصد کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. در کل، این یافته تأثیر متغیر جنسیت در مباحث هوش مالی و سرمایه‌گذاری به عنوان تعیین‌کننده مقاصد و اقدامات کارآفرینانه آشکار کرد که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها برای توسعه کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج این پژوهش دستاوردهای نظری و کاربردی مناسبی برای کمک به ادبیات قصد کارآفرینی دارد. در بحث دستاوردهای نظری، یافته‌های پژوهش حاضر چگونگی تأثیرگذاری ابعاد هوش مالی و همچنین، تفاوت‌های جنسیتی در زمینه تأثیر ابعاد هوش مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان آشکار کرد که در مطالعات پیشین مورد توجه قرار نگرفته بودند. در بحث دستاوردهای کاربردی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزش عالی کشور می‌توانند از نتایج این پژوهش برای تسهیل فرآیند توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان و در نتیجه کاهش نرخ بیکاری جوانان استفاده کنند. در این راستا، با توجه به نتایج کلی پژوهش پیشنهاد می‌شود که مباحث و شیوه‌های پس‌انداز کردن و مدیریت درآمدها و مخارج، تفاوت بین سود و موجودی نقد و بودجه‌بندی مباحث مالی را در سرفصل‌های دوره‌ها آموزشی و مباحث درسی گنجانده شود. افزون بر این، نظر به وجود تفاوت‌های جنسیتی در زمینه تأثیر مباحث مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان لازم است که آموزش‌ها و دوره‌های کارآفرینی در زمینه ترویج و توسعه کارآفرینی با در نظر گرفتن انگیزه‌ها، اهداف و روحیات متفاوت دختران و پسران طراحی و اجرا شوند.

References

- Abdi, H., Khosravi, J., & Mohammadzadeh P. (2018). The effects of physical, human and social capitals on the entrepreneurship level of economic actors in shahid salimi industrial town of Tabriz. *Structural Equations and Order Logit Models*, 9(33), 189-219 [In Persian].
- Aghasi, S., Aghasi, E., & Biglari, S. (2016). Examine the relationship between financial risk tolerance and investment properties (financial intelligence, skills, financial management, wealth) based on native Donald- Case Study of the Tehran Stock Exchange. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 9(31), 21-33 [In Persian].
- Ajzen, I. (1991). The Theory of Planned Behavior. *Organizational behavior and human decision processes*, 50(2), 179-211.
- Ajzen, I., & Fishbein, M. (1999). *Understanding attitudes and predicting social behavior*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Akbari, M., Ahangar Selebenei, A., Hoshmandzadeh, M., & Tahmasebi, R. (2017). The effect of gender differences in entrepreneurial intention of students: the case of faculty of entrepreneurship, Tehran University. *Iranian Journal of Engineering Education*, 19(73), 45-65 [In Persian].
- Allen, F., Demircuc-Kunt, A., Klapper, L., & Martinez-Peria, M. S. (2016). The foundations of financial inclusion: understanding ownership and use of formal accounts. *Journal of Financial Intermediation*, 27, 1-30.
- Almenberg, J., & Widmark, O. (2011). Numeracy, financial literacy and participation in asset markets. <https://ssrn.com/abstract=1756674>.
- Badcock, P. (2000). *Webster third new international, Dictionary of the English language*. Spring field. Mass: Merriam-Webster Inc. Publisher.
- Badpa, B., & Shiri, N. (2022). The effects of financial and investment decision-making components on entrepreneurial intention among Iranian accounting students. *Journal of Accounting Knowledge*, 13(3), 65-88.

- Bartlett, J., Kotrlik, J., & Higgins, C. (2001). Organizational research: Determining appropriation sample size in survey research. *Information technology, learning, and performance Journal*, 1(19), 43-50.
- Berman, K., Knight, J., & Case, J. (2008). *Financial intelligence for entrepreneurs: what you really need to know about the numbers*. Cambridge, MA: Harvard: Business school Press.
- Bhagavatula, S., Elfring, T., Tilburg, A. V., & Gerhard G. V. B. (2010). How social and human capital influence opportunity recognition and resource mobilization in India's handloom industry. *Journal of Business Venturing*, 25(3), 245-260.
- Bineshian, Z., & Dehdar, F. (2018). Present the model of the relationship between financial intelligence behavioral trends and their impact on investors decisions based on the theory of planned behavior. *Journal of Investment Knowledge*, 7(25), 203-222 [In Persian].
- Bird, B. (1988). Implementing entrepreneurial ideas: the case for intentions. *Academy of Management Review*, 13, 442-454.
- Botshekan, M. H., & Seifoddini, J. (2010). Businesses and their respective sources of financing. *Monthly Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 9-10, 87-116 [In Persian].
- Buvinic, M., & Berger, M. (1990). Sex differences in access to a small enterprise development fund in Peru. *World Development*, 18(5), 695-705.
- Carter, S., & Shaw, E. (2006). *Women's business ownership: recent research and policy development*. London: DTI Small Business Service Research Project.
- Coleman, S. (2000). Access to capital and terms of credit: A comparison of men- and women-owned small businesses. *Journal of Small Business Management*, 38(3), 37-52.
- Cull, R., Demirgüç-Kunt, A., & Morduch, J. (2007). Financial performance and outreach: A global analysis of leading microbanks. *Economic Journal*, 117, 107-133.
- Darabi, R., & Mashayekhi, G. (2016). Financial intelligence in prediction of firm's creditworthiness risk, evidence from support vector machine approach. *Accounting and Auditing Research*, 8(30), 102-125 [In Persian].
- Das, T. K., & Teng, B. (1997). Time and entrepreneurial risk behavior. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 22(2), 69-88.
- Davidsson, P. (1995). Determinants of entrepreneurial intentions. *Paper presented at the RENT LX Workshop*, Nov. 23-24, Piacenza, Italy.
- Forbes, D. P. (2005). Are some entrepreneurs more overconfident than others?. *Journal of business venturing*, 20(5), 623-640.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 18(1), 39-50.
- Gerardi, K., Goette, L., & Meier, S. (2010). Financial literacy and subprime mortgage delinquency: evidence from a survey matched to administrative data. Federal Reserve Bank of Atlanta, *Working Paper*, 2010-10.
- Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2017). *A primer on partial least squares structural equation modeling*. 2nd Edition. Thousand Oaks: Sage.
- Hindle, K., Klyver, K. & Jennings, D. F. (2009). *An informed intent model: Incorporating human capital, social capital, and gender variables into the theoretical model of entrepreneurial intentions*. In A. L. Carsrud & M. Brännback (Eds.), *Understanding the Entrepreneurial Mind: Opening the Black Box* (pp. 35-50). New York, NY: Springer.
- Honig, B. (2001). Human capital and structural upheaval: a study of manufacturing firms in the west bank. *Journal of business venturing*, 16, 575-594.
- Igbokwe, D., Gesinde, A., & Adeoye, T. A. (2014). Development and validation of indices of financial intelligence among a cross-section of a Nigerian private university students. *International Journal of Business and Management Study*, 1(3), 76-80.
- Kairiza, T., Kiprono, P., & Magadzire, V. (2017). Gender differences in financial inclusion amongst entrepreneurs in Zimbabwe. *Small Business Economics*, 48(1), 259-272.
- Kamil, N.S.S.N., Musa, R., & Sahak, S. Z. (2014). Examining the role of financial intelligence quotient (FiQ) in explaining credit card usage behavior: A conceptual framework. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 130, 568-576.
- khatiri, M., Taghi Pirian Gilani, Y., Gholami Jamkarani, R., & jahangir nia, H. (2019). Personality characteristics, Managers' Financial Intelligence and Corporate Performance. *Financial Accounting Knowledge*, 6(3), 141-165 [In Persian].
- Kock, N. (2015). Common method bias in PLS-SEM: A full collinearity assessment approach. *International Journal of e-Collaboration*, 11(4), 1-10.
- Krueger, N. F., Reilly, M. D., & Carsrud, A. L. (2000). Competing models of entrepreneurial intentions. *Journal of Business Venturing*, 15, 411- 432.
- Liñán, F., & Chen, Y. W. (2009). Development and cross-cultural application of a specific instrument to measure entrepreneurial intentions. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 33(3), 593-617.
- Lusardi, A. (2009). *U.S. Household Savings Behavior: the role of financial literacy, information and financial education programs*, in C. Foote, L Goette, and S. Meier (eds), *Policymaking Insights from Behavioral Economics*. Federal Reserve Bank of Boston, 109-149.
- Mirzasafi, A., Rajaepour, S., & Jamshidian, A. R. (2011). The Relationship between information literacy and entrepreneurial capabilities of graduate students of Isfahan University. *Library and Information Sciences*, 14(1), 241-268 [In Persian].
- Moradi, M., Zali, M., & Mohammadi, F. (2014). Reviewing the Mediating Role of Cognitive Style in the Relationship between Human Capital and Entrepreneurial Intention: The Case of MA Students of the School of Electrical and Computer Engineering of Tehran University. *Journal of Entrepreneurship Development*, 7(1), 113-131 [In Persian].

- Pourzamani, Z., & Karimi, A. (2010). Effect of effective risk management and intellectual capital on corporate performance. *Financial Knowledge Analysis of Securities*, 3(6), 1-18 [In Persian].
- Rojas-Suarez, L. (2010). *Access to financial services in emerging powers: facts, obstacles and policy implications*. OECD Development Centre Publishing.
- Ronald, S., & Grable, J. (2010). Financial numeracy, net worth, and financial management skills: client characteristics that differ based on financial risk tolerance. *Journal of Financial Service Professionals*, 64(6), 57-63.
- Shi, Q. (2012). *China women entrepreneurship: a survey*. Presentation at the ADB-OECD joint workshop on gender differences in education, employment, and entrepreneurship in India, Indonesia, and PRC, Manila. February.
- Shiri, N., Mirakzadeh, A., & Zarafshani, K. (2017). Promoting entrepreneurial behavior among agricultural students: a two-step approach to structural equation modeling. *International Journal of Agricultural Management and Development*, 7(2), 211-221.
- Shiri, N., Shinnar, R. S., Mirakzadeh, A. A. & Zarafshani, K. (2017). Cultural values and entrepreneurial intentions among agriculture students in Iran. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 13, 1157-1179.
- Shiri, N., Moradnezehadi, H., Mahdizadeh, H., & Seymohammadi, S. (2021). Opportunities for Student Cooperatives Startup at Ilam University: Guidelines for the Development of Agricultural and Service Cooperatives. *Co-Operation and Agriculture*, 10(39), 103-121 [In Persian].
- Subramony, M., Segers, J., Chadwick, C., & Shyamsunder, A. (2018). Leadership development practice bundles and organizational performance: The mediating role of human capital and social-capital. *Journal of Business Research*, 83, 120-129.
- Sullivan, D. M. & Meek, W. R. (2012). Gender and entrepreneurship: a review and process model. *Journal of Managerial Psychology*, 27(5), 428-458.
- Suratno, S., Narmaditya, B., & Wibowo, A. (2021). Family economic education, peer groups and students' entrepreneurial intention: the mediating role of economic literacy. *Heliyon*, 7(4). <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2021.e06692>.

